

طرح مسئله

امروزه، فرهنگ و بحث‌های پیرامون فرهنگ در جامعه ما وارد عرصه نوینی شده است و مراکز و سازمان‌های گوناگون، هر یک از دریچه وظایف و اختیارات خود، به آن نگرسته‌اند و نظرات و نظریاتی را در حوزه‌های گوناگون فرهنگ ارائه داده‌اند. در این میان برخی از بحث‌های مربوط به فرهنگ، از جمله تعریف فرهنگ، مهندسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی، از رشد چشم‌گیری برخوردار بوده است. یکی از موضوعات مهم در مهندسی فرهنگ، آسیب‌شناسی فرهنگ است. روشن است که به لحاظ گستردگی ساحت فرهنگ، آسیب‌های فرهنگ نیز از چشم‌اندازهای مختلف قابل بررسی است. نیز بیفزاییم که پیش‌فرض‌ها، فرضیه‌ها، منابع، مبانی، سنجه‌ها، نظریات و روش‌هایی که بر پایه آنها، آسیب‌های فرهنگ مورد مطالعه و پژوهش قرار می‌گیرد، بر دراز دامنی و پیچیدگی بحث آن چنان افزوده است که هر پژوهشگری را ناچار می‌سازد تنها بر اساس یک نظریه و از یک زاویه بسیار محدود به آسیب‌شناسی فرهنگ بپردازد تا بتواند در این ساحت، نکته نوینی را درباره آسیب‌های فرهنگ بر کارنامه پر برگ و بار فرهنگ‌پژوهی بیفزاید.

در کشور ما که اسلام در همه زوایای فرهنگی آن جاری و ساری است، نگرستن به فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم به عنوان سنگ زیرین تمدن و فرهنگ اسلامی، اهمیت دوچندان می‌یابد. قرآن کریم، کتابی است که فرهنگ‌سازی خویش را در طول تاریخ اسلام عملاً نشان داده است. هر گاه مسلمانان به آن روی آورده‌اند، از آب‌شخور فرهنگ آفرینی آن سیراب گشته‌اند و هر از گاه از آن روی برتافته‌اند، به لحاظ فرهنگی به انحطاط گراییده‌اند. بنابراین به راحتی می‌توان گفت هر گونه آسیب‌شناسی در ساحت فرهنگ بدون توجه به آیات فرهنگ‌آفرین قرآن کریم، آب در هاون کوفتن است.

این پژوهش، سعی دارد به روشنگری درباره یکی از آسیب‌های رویکردی فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم بپردازد تا توجه برنامه‌ریزان فرهنگی را به اهمیت آن و نقش حیاتی آن در مهندسی فرهنگ معطوف دارد.

مسئله اصلی این تحقیق این است که قرآن کریم چه رهنمودهایی را درباره



«دنیاگرایی» به عنوان یک آسیب فرهنگی مطرح کرده است؟ چرا قرآن کریم در برخی آیات، دنیا را ستوده و در برخی دیگر از آیات، آن را نکوهش کرده است؟ آیا در قرآن کریم، بهره‌برداری از دنیا، به دو گونه معرفی شده است؟ شاخص‌های «دنیاداری» و «دنیاگرایی» از دیدگاه قرآن کریم چیست؟ قرآن کریم درباره لایه‌های سه‌گانه فرهنگ؛ یعنی نگرش، ارزش و رفتار، از بُعد «دنیاگرایی» چه آسیب‌هایی را متذکر شده است؟ آثار، مصادیق و موانع «دنیاگرایی» از دیدگاه قرآن کریم چیست؟ فرضیه پژوهشگر این است که «دنیاداری» به رشد و توسعه همه جانبه و فراگیر فرهنگ پیشرو و پویا کمک می‌کند و در برابر آن، «دنیاگرایی»، آسیبی جدی برای رشد تک بعدی فرهنگ و در نتیجه، ناکارآمدی سامانه فرهنگ و در نهایت انحطاط آن است. انتخاب «دنیاداری» یا «دنیاگرایی» به عنوان بستر و زمینه فرهنگ از یک سو و به عنوان یک مبنای اثرگذار در مهندسی فرهنگ از سوی دیگر، فرهنگ پیشرو یا فرهنگ پیرو را رقم خواهد زد.

در این مقاله، نویسنده بر اساس این نظریه که رفتار انسان بر پایه ارزش‌های انسان شکل می‌گیرد و ارزش‌های انسان نیز از نگرش‌های انسان تأثیر می‌پذیرد، معتقد است هر گونه آسیبی به نگرش‌ها، آسیب ارزش‌ها و در نتیجه رفتارها را در پی خواهد داشت. برای تغییر رفتار انسان باید نخست به تغییر نگرش‌های او پردازیم. یکی از نگرش‌هایی که پیوسته در قرآن کریم در آیات گوناگون و از زوایای مختلف مورد تأکید قرار گرفته است، «دنیاداری» و در برابر آن «دنیاگرایی» است. «دنیاداری» و «دنیاگرایی» در حقیقت دو روی یک سکه‌اند و بسته به نگرش انسان نسبت به دنیا، با یکدیگر متفاوت می‌شوند. نتیجه هر گونه انحرافی از «دنیاداری» و حرکت به سوی «دنیاگرایی»، به آسیب انسان و فرهنگ منتهی خواهد شد.

از سوی دیگر، قرآن کریم در آیات متعددی، آثار «دنیاداری» و «دنیاگرایی» را روشن و شفاف بیان کرده است و انواع نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای دنیادارانه و دنیاگرایانه را معرفی کرده و آثار «دنیاگرایی» را به عنوان یک آسیب بسیار خطرناک برای فرهنگ هر جامعه‌ای برشمرد و گوشزد کرده است که جامعه‌ای که

«دنیای‌گرایی» بر مناسبات و ارتباطات فردی و اجتماعی آن سایه گسترانده باشد و شاخص‌های دنیای‌گرایانه بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها حاکم باشد، خود به دست خود، راه را برای هجوم آسیب‌های فرهنگی بر تار و پود فرهنگ جامعه هموار ساخته است. در فضای چنین جامعه‌ای، فرهنگ مادی کم کم بر مسند فرهنگ معنوی تکیه خواهد زد و تعادل میان عناصر فرهنگ از دست خواهد رفت. در چنین حالتی، سخن از مهندسی فرهنگ یا مهندسی فرهنگی، آب در هاون کوفتن است، زیرا سیل ویرانگر را نمی‌توان حتی با سدهای عظیم نیز مهار کرد. بنابراین، علاج واقعه قبل از وقوع باید کرد.

نیز در قرآن کریم بر این نکته تأکید شده است که یکی از مهم‌ترین دلایل انحطاط جوامع و تمدن‌های گذشته، «دنیای‌گرایی» بوده است و مهم‌ترین دلیلی که برخی از مردم، دعوت انبیا را نمی‌پذیرفته‌اند، همین «دنیای‌گرایی» آنان بوده است. زیرا هنگامی که «دنیای‌گرایی» بر ذهن و ضمیر انسان‌ها سایه افکنده باشد، دیگر جایی برای رشد ارزش‌های معنوی که حیات هر جامعه‌ای به آن است، نخواهد بود. فرهنگ در جامعه‌ای در مسیر رشد و بالندگی و توسعه و تعالی قرار خواهد گرفت که «دنیاداری»، تعیین‌کننده ارتباطات و مناسبات فرهنگی و اجتماعی آن سامان باشد و شاخص‌های «دنیاداری» بر نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارها حاکم باشد. در یک کلام، بستر بالندگی و مصونیت فرهنگ، «دنیاداری» است نه «دنیای‌گرایی».

مبانی مهندسی فرهنگ

پیش از آغاز بحث، شایسته است مبانی مهندسی فرهنگ را مورد بازبینی قرار دهیم تا بر پایه آن، دیدگاه خود را استوارتر سازیم. فرهنگ را ویژگی‌های گوناگونی است. در اینجا، تنها به چند ویژگی آن که با مسئله این پژوهش مرتبط است، اشاره می‌کنیم.

یکم: در تعریف فرهنگ، عناصر متعددی دخالت دارند، از جمله می‌توان به محیط بالندگی فرهنگ، هدف از فرهنگ و تعریف فرهنگ از چشم انداز علوم گوناگون اشاره کرد و همین مسئله باعث شده است که فرهنگ معانی مختلفی پیدا



کند. آنچه در اینجا مورد نظر است، تعریف ادوارد تایلر است. وی معتقد است که فرهنگ، مجموعه پیچیده‌ای است شامل معرفت، باور، هنر، اخلاق، قانون، آداب و رسوم و بسیاری دیگر از عادات و استعدادهایی که انسان به عنوان عضو جامعه کسب می‌کند.

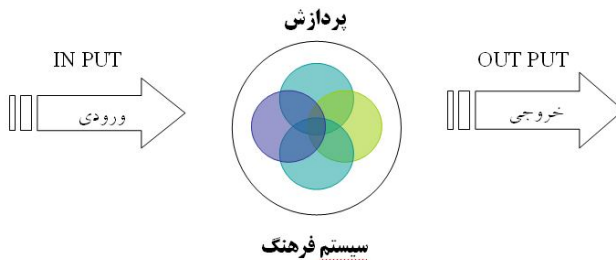
در این تعریف چند نکته نهفته است: نخست اینکه فرهنگ یک مجموعه (سامانه) است. دوم اینکه این مجموعه (سامانه)، پیچیده است. سوم اینکه تمام عناصر فرهنگ به نوعی با انسان مرتبط است. به دیگر سخن، فرهنگ ویژه انسان است. چهارم اینکه عناصر فرهنگ، غالباً معنوی است. پنجم اینکه بستر شکل‌گیری فرهنگ، جامعه است. ششم اینکه فرهنگ، یک فرایند کسبی است.

دوم: هر چند برخی تقسیم فرهنگ را به مادی و معنوی پذیرفته‌اند (چلبی، ۵۸/)، اما به نظر می‌رسد که فرهنگ به دو قسمت کلی معنوی و مادی قابل تقسیم است. زیرا انسان که محور فرهنگ است، هم با مسائل معنوی سروکار دارد و هم با مسائل مادی. بنابراین فرهنگ نیز به لحاظ ارتباط مستقیم با انسان از این قاعده مستثنا نیست. اما آنچه حائز اهمیت است، این است که نه تنها کفه معنوی فرهنگ بسیار سنگین‌تر از کفه مادی فرهنگ است، بلکه کفه معنوی فرهنگ از یک سو به لحاظ تأثیرگذاری و از سوی دیگر به لحاظ مبنا بودن برای جهت‌دهی عناصر مادی، از کفه مادی فرهنگ نیز فربه‌تر، جامع‌تر و گسترده‌ساحت‌تر است. به دیگر سخن، عناصر مادی فرهنگ، بعد مادی همان عناصر معنوی فرهنگ است که در قالب مادی، ظهور و بروز یافته‌اند. فرهنگ معنوی مانند هنر، زبان، ادبیات، فلسفه، سیاست، افکار و عقاید، علوم و قوانین و فرهنگ مادی، شامل اشیای قابل لمس است. مثل مسکن، وسایل زندگی، وسایل و ابزار و ادوات، هواپیما، اتومبیل و ماشین‌آلات.

سوم: فرهنگ مادی و معنوی به یک نسبت و آهنگ پیشرفت نمی‌کنند، بلکه معمولاً فرهنگ مادی سریع‌تر دگرگون می‌گردد. از این رو شکافی بین این دو پدید می‌آید که آن را پس افتادگی یا تأخر فرهنگی می‌نامند. به بیان دقیق‌تر، تأخر فرهنگی، پس افتادن یک عنصر فرهنگی از سایر عناصر است. بدین‌سان، هنگامی

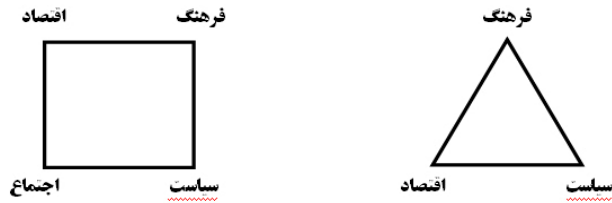
که تساوی میان عناصر فرهنگ به عنوان یک سامانه پویا و پیچیده، به ویژه در سطح کلان - مادی و معنوی - از بین برود، آسیب فرهنگی پای به میدان خواهد گذاشت. در اینجا، منظور از آسیب، عدم تساوی میان خرده سامانه‌های سامانه کلان فرهنگ است که منجر به عدم پویایی سامانه و در نتیجه عدم دستیابی به هدف خواهد شد.

چهارم: فرهنگ، یک سامانه است و دارای خرده سامانه‌هایی است که بر یکدیگر اثر می‌گذارند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. از سوی دیگر، مانند هر سامانه‌ای دارای ورودی و خروجی است و نوع ورودی‌ها، تعیین کننده خروجی‌هاست. به دیگر سخن، فرهنگ بسان سامانه‌ای بسیار پیچیده است که ورودی‌ها در آن پردازش می‌شوند و خروجی‌هایی - از یک سو متفاوت از ورودی‌ها، به لحاظ پردازشی که بر روی ورودی‌ها انجام شده و تأثیر و تاثراتی که خرده سامانه‌ها بر یکدیگر نهاده‌اند و از سوی دیگر متناسب با ورودی‌ها، به لحاظ اینکه بن‌مایه اصلی سامانه‌اند و در حقیقت، تمام فعل و انفعالات سامانه بر روی این ورودی‌ها انجام می‌پذیرد - عرضه می‌کند. بنابراین، میان ورودی‌ها و خروجی‌های فرهنگ، ارتباط معناداری وجود دارد.



نمودار 1: فرآیند فرهنگ

پنجم: در حوزه ارتباط میان فرهنگ و سایر ساحت‌های علوم بشری، برخی فرهنگ را با اضلاعی مانند اقتصاد، سیاست و اجتماع در کنار یکدیگر نهاده‌اند و برخی دیگر، فرهنگ را تنها با اضلاع اقتصاد و سیاست مرتبط دانسته‌اند.



نمودار 2: اضلاع فرهنگ

به هر حال، میان فرهنگ و اقتصاد، رابطه معناداری وجود دارد که توجه به هر ضلع و غفلت از ضلع دیگر، به تغییر ورودی‌ها و در نتیجه تغییر خروجی‌ها و بالاخره، آسیب که همان عدم تساوی میان اضلاع فرهنگ است، منجر خواهد شد.

ششم: در وجود انسان، سه لایه نگرش، ارزش و رفتار شکل گرفته است. در ادبیات اسلامی از این سه لایه با اندکی تسامح به عقاید، اخلاق و فقه تعبیر شده است. از سوی دیگر، فرهنگ و به تعبیر دقیق‌تر عناصر فرهنگ، به لحاظ ارتباط مستقیم با انسان، به سه لایه نگرش، ارزش و رفتار قابل تقسیم‌اند. به دیگر سخن، در درون فرهنگ، هم سخن از نگرش‌هایی است که انسان‌های یک جامعه بدان معتقدند و هم سخن از ارزش‌ها و هم سخن از رفتارها. آنچه توجه بدان ضروری است، این است که نه تنها میان این سه لایه، مرز مشخصی نمی‌توان تصور کرد، بلکه این سه لایه آن چنان در یکدیگر در هم تنیده‌اند که هنگام سخن از هر یک، ناگزیر از آن دو دیگر هم، سخن به میان خواهد آمد. نیز در درون هر لایه، دو لایه دیگر نیز حضور دارند. بنابراین هنگامی که مثلاً از نگرش سخن می‌گوییم، در درون نگرش، هم ارزش حضور دارد و هم رفتار. از این زاویه، هر گاه به یکی از سه لایه به طور مشخص اشاره می‌کنیم، منظور تقویت و اهمیت دادن به آن لایه است، نه اینکه تنها همان لایه مراد باشد.

حال که برخی از مبانی مهندسی فرهنگ با توجه به مسئله اصلی این پژوهش روشن شد، به بررسی یکی از مهم‌ترین آسیب‌های رویکردی فرهنگ، یعنی «دنیاگرایی»، از دیدگاه قرآن کریم می‌پردازیم.



تعریف «دنیاداری» و «دنیاگرایی»

دنیا از «دنی» گرفته شده و به معنای پستی و نزدیک بودن می‌باشد. در مورد دنیا تعریف‌های گوناگونی ارائه شده است، اما آنچه در این مقاله مورد نظر است، تعریفی است که از قرآن کریم به دست می‌آید. در قرآن کریم، گاه دنیا مورد مذمت قرار گرفته و گاه از دنیا به نیکی یاد شده است. سرّ این مدح و ذم را نه در دنیا که در بیرون از دنیا باید جست.

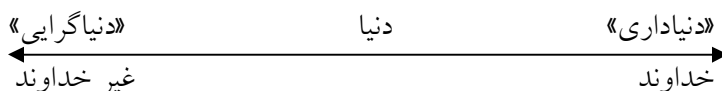
با مطالعه آیات قرآن کریم به این نکته دست پیدا می‌کنیم که دنیا به خودی خود، از جهت انتساب به حضرت حق، سراسر حق است و باطل و پستی در آن راه ندارد، بنابراین مذموم نیست؛ اما از جهت انتساب به بشر، متناسب با نگرش و استفاده انسان، گاه ممدوح (دنیاداری) و گاه مذموم (دنیاگرایی) است. به دیگر سخن، دنیا مجموعه‌ای از مادیات، نوع نگرش و نحوه بهره‌گیری از این مادیات است که انسان از بدو تولد تا زمان مرگ با آنها سر و کار دارد. روشن است که این تعریف، جامع دنیای ممدوح و مذموم است. در این مقاله از دنیای ممدوح با عنوان «دنیاداری» یاد می‌کنیم و از دنیای مذموم با عنوان «دنیاگرایی» تعبیر می‌کنیم. در زبان عرفی مردم نیز، همین معنا مراد است. در قرآن کریم نیز، دنیا به همان تلقی عرفی و زبانی مردم اطلاق شده است، با این تفاوت که دنیای مذموم و ممدوح با توجه به سیاق آیات کاملاً قابل تشخیص است. در اینجا نیز برای جدا سازی این دو مفهوم، به جای بهره‌گیری از یک واژه، یعنی واژه دنیا، از دو واژه «دنیاداری» و «دنیاگرایی» سود جستیم.

در قرآن کریم، دنیا در سیاق ذم، یا به تعبیر دیگر «دنیاگرایی»، گاه به مصادیق مادی، مانند شهوت‌های جنسی، فرزندان، طلا و نقره، اسب، دام و کشتزار تعریف شده است که انسان دلبسته و وابسته به آنهاست؛ (زَيْنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِكَ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ...) (آل عمران/14)، و گاه به نگرش‌های مادی‌گرایانه و نحوه بهره‌گیری از این مصادیق مادی، مانند لعب، لهو، مدپرستی، تجمل‌گرایی، فخر فروشی، ثروت اندوزی و قدرت طلبی توجه داده شده است که انسان به جای استفاده از



مادیات در جهت نزدیکی به خداوند، از آنها در جهت دوری از خداوند سود جسته است؛ (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ ... (حدید/20).

نتیجه آنکه دنیا، پیوستاری است که در یک سوی آن، «دنیاگرایی» و در سوی دیگر آن، «دنیاداری» است. در طرف «دنیاداری»، خداوند است و در طرف «دنیاگرایی»، غیر خداوند. از همین جا می‌توان به تعریف دقیق‌تری از دنیا دست پیدا کرد که نتیجه کوشش‌ها و باریک‌بینی‌های عارفان است. عارفان معتقدند هر آنچه غیر خداست، دنیاست. بر این اساس حتی عبادتی که برای غیر خدا باشد، دنیاست. نیز این نکته را بیفزاییم که «دنیاداری» با «دنیاگرایی» قابل جمع نیست، اما می‌تواند در پیوستاری از شدت و ضعف قرار بگیرد.



لایه‌های «دنیاداری» و «دنیاگرایی» در قرآن کریم

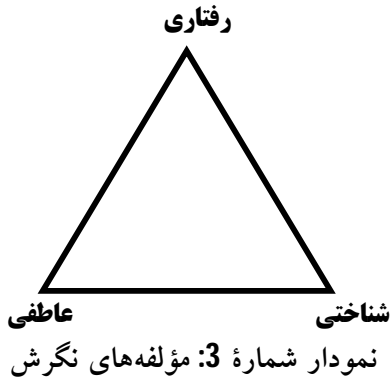
همچنان که پیش‌تر آمد، در وجود انسان، سه لایه نگرش، ارزش و رفتار تعبیه شده است. از سوی دیگر، فرهنگ نیز که محصول انسان است، در سه لایه قابل بررسی است: نگرش، ارزش و رفتار. هنگام بحث از «دنیاداری» و «دنیاگرایی» به عنوان یک عنصر فرهنگی از دیدگاه قرآن کریم، شایسته است این موضوع در سه لایه به صورت جداگانه مورد مذاقه قرار گیرد.

1. نگرش، «دنیاداری» و «دنیاگرایی»

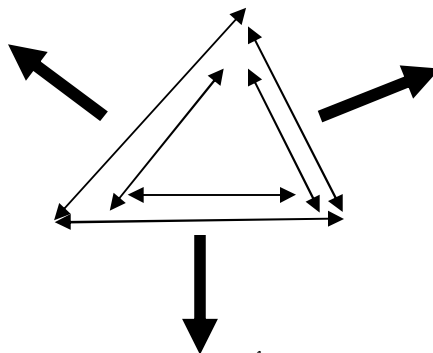
الف) کلیات

نگرش (Attitude)، عبارت است از یک روش نسبتاً ثابت در فکر، احساس و رفتار نسبت به افراد، گروه‌ها و موضوع‌های اجتماعی یا قدری وسیع‌تر، هر گونه حادثه‌ای در محیط فرد. (آذربایجانی، 136/)

مؤلفه‌های نگرش عبارتند از افکار و عقاید، احساسات یا عواطف و تمایلات رفتاری. محققان در زمینه مؤلفه‌های نگرش نیز اتفاق نظر دارند و برای آن ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری در نظر می‌گیرند. «مؤلفه‌های شناختی» به فکر و تفسیرهای خاص، «مؤلفه‌های عاطفی» به هیجان‌های منفی یا مثبت و «مؤلفه‌های رفتاری» به نحوه خاصی از کنش فرد اشاره دارد. (همان، 1377)



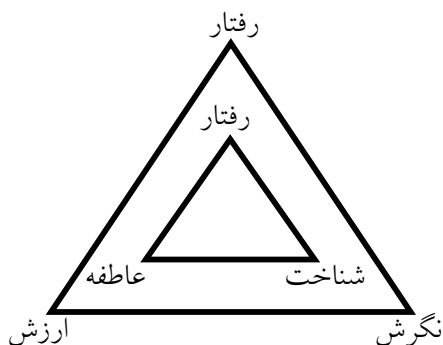
روشن است که میان نگرش‌های یک فرد تفاوت است. به این معنا که برخی از نگرش‌های یک فرد اصلی‌اند و برخی فرعی‌اند و نگرش‌های اصلی بر نگرش‌های فرعی تأثیر دارند.



نمودار شماره 4: تأثیر نگرش‌های اصلی بر نگرش‌های فرعی

عقاید و باورها، اعم از اینکه درست یا نادرست باشند، جزء شناختی نگرش را

تشکیل می‌دهند و ارزش‌ها ارتباط نزدیکی با بُعد عاطفی نگرش، اعم از مثبت و منفی دارند و رفتارها نیز با بُعد رفتاری نگرش مرتبطند.



نمودار شماره 5: ارتباط میان نگرش، ارزش و رفتار

ب) ارتباط میان نگرش با «دنیاداری» و «دنیاگرایی»

در قرآن کریم، از دنیا به دو گونه سخن رفته است: دنیای حق و دنیای باطل. دنیای حق - که از آن به «دنیاداری» تعبیر می‌کنیم - در لایه نگرش، مسیر خود را از دنیای باطل - که از آن به «دنیاگرایی» یاد می‌کنیم - جدا ساخته است، که این افتراق در لایه‌های بعدی - ارزش و رفتار - نیز نمود یافته است. تمام سخن بر سر همین نکته است که یکی از آسیب‌های بسیار خطرناک که فرهنگ را به ورطه انحراف خواهد کشاند و در نتیجه انسان را از توحیدگرایی به سوی انسان‌گرایی و صدها آفت دیگر سوق خواهد داد، این است که «دنیاگرایی» در ذهن و جان انسان بر مسند «دنیاداری»، مقتدرانه تکیه بزند و انسان را از درون تباه سازد و بدتر از آن، اینکه انسان دچار جهل مرکب شود و گمان کند در مسیر درست گام برمی‌دارد؛ **(الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا) (کهف/104)**، که در این حال نه تنها هر گامی که برمی‌دارد، او را از حق دورتر می‌سازد، بلکه هیچ دارویی برای درمان خویش نمی‌جوید، زیرا اساساً به بیماری خویش آگاه نیست تا در پی درمان باشد، و اگر کسی هم دارویی را به او پیشنهاد کند، چندان واقعی نخواهد نهاد. فرهنگ جامعه‌ای که این گونه نگرشی در آن ترویج شود، فرهنگ



بسیار آسیب پذیری خواهد بود که دیری نباید که در آستانه بحران و بر لبه پرتگاه نابودی قرار گیرد؛ (أَقْمِنَ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى تَقْوَى مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٍ أَمْ مَنْ أَسَسَ بُنْيَانَهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَانْهَارَ بِهِ فِي نَارِ جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ) (توبه/109)

همان گونه که پیش تر آمد، در قرآن کریم، از دو نگرش و عقیده متفاوت نسبت به دنیا سخن به میان آمده است. در حقیقت، قرآن کریم، انسان ها را بر اساس نگاهشان به دنیا و نوع بهره برداری از آن به دو دسته کلی تقسیم می کند: گروهی از مردم معتقدند که پس از این دنیا، آخرتی وجود دارد؛ (يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ) (آل عمران/114) و پیوسته نگرش به آخرت را در جامعه تبلیغ و ترویج می کنند؛ (وَإِلَى مَدِينَةٍ آخَاهُمْ شَعْبِيًّا فَقَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَارْجُوا الْيَوْمِ الآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) (عنکبوت/36). دنیا در نظر آنان فانی و زودگذر است؛ (كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ) (رحمن/26) و دل بستن به آن عین خسران است؛ (ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ ... لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَاسِرُونَ) (نحل/109-107).

و گروه دیگری معتقدند که پس از این دنیا، آخرتی وجود ندارد؛ (إِنِّي تَرَكْتُ مِلَّةَ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ) (یوسف/37) و بر اساس این نگرش، به مسخره کردن معتقدان به آخرت نیز روی می آورند؛ (رَبِّينَا الَّذِيْنَ كَفَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (بقره/212) و وجود هر گونه قیامت و حشر و حساب و کتابی را یکسر منکر می شوند؛ (وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ) (انعام/29) از این رو، از هیچ سعی و تلاشی برای به دست آوردن آن فروگذار نمی کنند؛ (إِنَّ هَؤُلَاءِ يُحِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا) (انسان/27) و غیر از دنیا را خواهان نیستند؛ (... وَكَمْ يَرِذُّ إِلَّا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا) (نجم/29) و پیوسته در طلب متاع ناپایدار دنیایند؛ (...تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا...) (انفال/67).

جالب توجه است که گاه در قرآن کریم، این دو نوع نگرش در کنار یکدیگر به تصویر کشیده شده اند تا خواننده و متدبر، آن دو را با یکدیگر مقایسه کند و یکی را



برگزیند و یا نگرش خود را بر قرآن کریم عرضه کند و ببیند که بر کدام مسیر است؛ (...فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلَقٍ) (بقره/200) و تأثیر مستقیم هر نگرش را در ارزش و رفتار مربوط به آن نگرش، دریابد؛ (يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ* إِنَّمَا يَسْتَأْذِنُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ) (توبه/44-45).

خلاصه آنکه، برخی امیر دنیایند و گروهی اسیر دنیا، امیران دنیا از دنیا در جهت تعالی خویش و نزدیکی به خداوند بهره می‌جویند؛ (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا) (اعراف/32) و به آن به عنوان یک ابزار می‌نگرند؛ (وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا) (قصص/77). اما اسیران دنیا، ابزاریت دنیا را به فراموشی سپرده‌اند؛ (الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا) (کهف/104) و دنیا را به عنوان هدف خود برگزیده‌اند؛ (وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا بِهَا) (یونس/7) و بدان سرگرم و خوشحالند؛ (وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا) (رعد/26) و برای به دست آوردن آن از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کنند؛ (وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا) (انعام/70). دنیا در دست آنان رام است و برای اینان دام است. آنان «دنیاداری» می‌کنند و در «دنیاداری» خویش، وابسته دنیا نیستند و اینان دنیاگیرند و دل بسته دنیایند.

نتیجه اینکه از نگاه قرآن کریم، نگرش‌های مردم به دنیا یا از نوع ابزاری است و یا از نوع وابستگی. ابزارگرایان، به دنیا تنها در حد یک ابزار برای رسیدن به خداوند می‌نگرند و در حقیقت «دنیاداری» می‌کنند، اما وابسته‌گرایان، به دنیا به چشم هدف می‌نگرند، آن هم یک هدف کلان و نهایی. به دلیل این نوع نگرش، به دنیا وابسته‌اند و بدون آن، زندگی برایشان معنا ندارد. به دیگر سخن، دنیاگیرانند، نه دنیادار. زیرا دنیا در جان و ضمیر آنان ریشه دوانده و جدایی میان آنان و دنیا در این دنیا، امکان‌پذیر نیست.

از سوی دیگر، نگرش «دنیاداری» سبب توسعه و رشد اقتصادی می‌شود و در نتیجه موجب تکامل خرده سامانه اقتصاد و نهایتاً به تعالی و ارتقاء بهره‌وری سامانه

فرهنگ و پیشرفت در راه دستیابی به هدف نهایی و کلان فرهنگ که همان توحید است، منجر می‌شود. در برابر آن، «دنیاه‌گرایی»، سبب توسعه نامتوازن انسانی - اجتماعی و در مرحله پایین‌تر، باعث توسعه نامتوازن اقتصادی می‌شود و خرده سامانه اقتصاد را از درون به ناکارآمدی و یک سویه نگری سوق می‌دهد، و از آنجا که میان خرده سامانه‌های یک سامانه، ارتباط پویا برقرار است، این عدم تعادل در میان دیگر خرده سامانه‌ها نیز راه پیدا می‌کند و در نتیجه، راه را برای آسیب‌پذیری سامانه فرهنگ از زوایای گوناگون هموار می‌سازد. روشن است که آسیب به یکی از ابعاد فرهنگ مانند اقتصاد، آسیب دیگر ابعاد فرهنگ مانند سیاست و اجتماع را نیز در پی خواهد داشت و با توجه به تعامل میان این ابعاد در سطح جامعه، آسیب‌ها به شکل توان - به زبان ریاضی - عمل خواهند کرد. به این معنا که آسیب اقتصادی سبب آسیب در سیاست می‌شود و سیاست آسیب دیده، موجب افزایش آسیب دو چندان در اقتصاد می‌شود. به همین نحو این اقتصاد آسیب دیده دو چدانی، موجب آسیب دو چندان در سیاست می‌شود و ... در هر رفت و برگشتی بر دامنه و عمق آسیب افزوده می‌شود تا آنجا که از مرحله آسیب خارج می‌شود و سامانه به مرحله بسیار سخت بحران وارد می‌شود و ...

2. ارزش، «دنیاداری» و «دنیاه‌گرایی»

الف) کلیات

ارزش (Value)، عبارت است از مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و جهت گیری‌های مثبت و منفی نسبت به چیزهایی که ملاک‌های کلی رفتار هستند و اکثریت افراد جامعه روی آنها وفاق دارند. (حاجیلری، 41) به دیگر سخن، مفاهیمی جمعی هستند از آنچه که از نظر فرهنگی خوب، مطلوب و مناسب و یا بد، غیر مطلوب و نامناسب تلقی می‌شود. ارزش‌ها تعیین می‌کنند که چه چیز برای مردم یک جامعه مهم و از نظر اخلاقی درست است. ارزش‌ها ممکن است در مواردی جنبه مشخص و عینی داشته باشند، مانند صاحب خانه بودن، یا اینکه حالت کلی تری داشته باشند، مانند سلامتی. (محسنی، 28)



روشن است که ارزش‌ها خود به انواعی تقسیم می‌شوند. آنچه در اینجا با مسئله پژوهش ارتباط دارد، رابطه میان ارزش‌های فرهنگی و اقتصادی و یا به تعبیر دقیق‌تر، بررسی ارتباط متقابل تأثیر و تأثر میان ارزش‌های فرهنگی و ارزش‌های دنیادارانه و ضد ارزش‌های دنیاگرایانه انسان از دیدگاه قرآن کریم است. با توجه به این نکته، ارزش‌ها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: ارزش‌های فرامادی و ارزش‌های مادی. ارزش‌های فرامادی عبارت است از مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و جهت‌گیری‌های مثبت نسبت به امور روحی و روانی، غیر اقتصادی، اخلاقی، دینی و معنوی که توسط عموم افراد جامعه پذیرفته شده است. (حاجیلری، 128/1) و ارزش‌های مادی عبارت است از مطلوبیت‌ها، خواسته‌ها، علایق و جهت‌گیری‌های مثبت به امور مادی، اقتصادی و جسمانی که توسط عموم افراد جامعه پذیرفته شده است. (همان، 131/1) به همین نسبت نیز ضد ارزش‌ها به ضد ارزش‌های فرامادی و ضد ارزش‌های مادی تقسیم می‌شوند. نیز این نکته را بیفزاییم که ارزش‌ها از نگرش‌ها ناشی می‌شوند و تحت تأثیر نگرش‌ها شکل می‌گیرند و با تغییر نگرش‌ها نیز تغییر می‌یابند.

ب) ارتباط میان ارزش با «دنیاداری» و «دنیاگرایی»

قرآن کریم، پس از گزارش نگرش‌های گوناگون به دنیا، برای روشن شدن حقیقت دنیا و راهنمایی انسان در راستای بهره‌گیری درست از دنیا، به گزارش ارزش‌های حق و ضد ارزش‌های باطل پرداخته که از همان نگرش‌های «دنیاداری» و «دنیاگرایی» سرچشمه می‌گیرند.

قرآن کریم در آیات متعددی، ارزش‌های حق‌مدارانه را نسبت به دنیا ستوده است؛ (قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نَفْضِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ) (اعراف/32)؛ (وَمَنْهُمْ مَنْ يَقُولُ رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ) (بقره/201)؛ (فَاتَاهُمُ اللَّهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ) (آل عمران/148)؛ (وَكَتَبْنَا لَهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدُّنَا إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ

كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ (اعراف/156)؛ (وقيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلِدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنَعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ) (نحل/30)؛ (وَآيَاتِنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ) (نحل/122)؛ (وَإِتَّبَعِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ) (قصص/77)؛ (وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ وَالْكِتَابَ وَآتَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ) (عنكبوت/27)؛ (قُلْ يَا عِبَادِ الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ) (زمر/10)؛ (إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ) (غافر/51).

و ارزش‌های باطل محورانه را نسبت به دنیا گوشزد و انسان‌ها را از گرایش به آنها بر حذر داشته است؛ (اعلمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ زِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعٌ الْغُرُورِ) (حدید/20)؛ (رُئِيَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرثِ ذَلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمآبِ) (آل عمران/14).

برخی ارزش‌های حق‌مدارانه دنیا دارانه عبارتند از: قسط (اقتصادی)، انفاق، زهد، ساده‌زیستی، دنیاگریزی، صرفه‌جویی، توحیدگرایی، تولید، حمایت از یتیمان، آخرت‌گرایی، احسان و

برخی ضدارزش‌های باطل‌مدارانه دنیا‌گرایانه عبارتند از: ظلم (اقتصادی)، اسراف، تجمل‌گرایی، رفاه‌طلبی، لذت‌گرایی، ثروت‌اندوزی، خودخواهی، بخل ورزیدن، عدم توجه به یتیمان، فساد (اقتصادی) و

مهم‌ترین آیاتی که به صورت کاملاً شفاف به مرزبندی ارزش‌های فرامادی و مادی و تأثیرپذیری آنها از نگرش‌ها از یک سو و تأثیرگذاری بر رفتارها از سوی دیگر پرداخته‌اند، آیات مربوط به قارون است؛



(إِنَّ قَارُونَ كَانَ مِنْ قَوْمِ مُوسَى فَبَغَى عَلَيْهِمْ وَآتَيْنَاهُ مِنَ الْكُنُوزِ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولَى الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ* وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ* قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوَلَمْ يَعْلَم أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يَسْأَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ* فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قَارُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ* وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِمَنْ آمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ* فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنتَصِرِينَ* وَأَصْحِبِ الَّذِينَ تَمَنَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيُكَانَنَّ اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مِنَ اللَّهِ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيُكَانَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ) (قصص/82-76).

در این آیات، سه لایه اقتصادی فرهنگ، یعنی نگرش، ارزش و رفتار اقتصادی، هم حق و هم باطل، به شکلی بسیار شگفت‌آور و روشن در کنار هم به تصویر کشیده شده است. در این قسمت تنها بر لایه ارزش متمرکز خواهیم شد و از تأثیرپذیری آن از نگرش و تأثیرگذاری آن بر رفتار نیز سخن خواهیم گفت.

در این آیات، دو نوع نگرش نسبت به دنیا گزارش شده است. یکی نگرش دنیاگرایانه و دیگری نگرش دنیادارانه. قارون و قارون طلبان، سرمست باده خوشرنگ دنیا و وابسته و دلبسته زینت‌های زودگذر آن و مست و مغرور از ثروت‌های دنیوی، آن چنان در دنیا غرق گشته‌اند که آخرت را از یاد برده‌اند و دست‌یابی به دنیا به عنوان مقصد نهایی آنان در قالب یک نگرش در ذهن و ضمیر آنان نقش بسته است. اینان نمونه دنیاگرایی‌اند و دانش‌اندوزان و مؤمنان، نمونه دنیا‌داری‌اند. آنان که به دنیا به عنوان سکوی پرشی برای رسیدن به خداوند می‌نگرند و میان دنیا و آخرت جمع کرده‌اند و پیوسته این نگرش را در جامعه ترویج می‌کنند تا زرق و برق دنیا، دیگران را از نگرش «دنیا‌داری» دور نسازد و به ورطه هولناک «دنیاگرایی» نیفتند.

نگرش «دنیاگرایی»، به شکل‌گیری ضد ارزش‌هایی مانند: ثروت‌اندوزی و

پولمداری و سرمایه‌داری، لذت‌گرایی، فراموشی آخرت، خودپرستی و خودخواهی، تجمل‌گرایی، قدرت‌طلبی و جاه‌طلبی، خوشگذرانی، رفاه‌طلبی، تفاخر و تکاثر و ... منجر می‌گردد. و ضدارزش‌ها نیز به نوبه خود بر رفتارها تأثیر می‌نهند. در این آیات به روشنی درمی‌یابیم که رفتارهایی مانند سرکشی و طغیان قارون، عدم‌پندپذیری از ناصحان، انجام رفتارهای غرورآمیز و تعصبی، شادی‌های سرمستانه، عدم احسان و انفاق به دیگران، ترویج فساد در جامعه، اتکا به دانش خود، ظاهر شدن در سطح اجتماع با انواع زیورها و زینت‌ها (تفاخر) و ... از ارزش‌های قارون‌مدارانه سرچشمه گرفته، که این ارزش‌ها، خود محصول نگرش‌های قارون‌طلبانه است.

رفتار دنیادارانه ↔ ارزش دنیادارانه ↔ نگرش دنیادارانه

رفتار دنیاگرایانه ↔ ضد ارزش دنیاگرایانه ↔ نگرش دنیاگرایانه

رفتارهای دنیاگرایانه	ضدارزش‌های دنیاگرایانه	نگرش دنیاگرایانه
سرکشی و طغیان	ثروت‌اندوزی	
عدم احسان	پولمداری	
عدم انفاق	سرمایه‌داری	
شادی‌های سرمستانه	لذت‌جویی	
عدم‌پندپذیری از ناصحان	خودپرستی	
انجام رفتارهای غرورآمیز	خودخواهی	
ظاهر شدن در سطح اجتماع با انواع زیورها و زینت‌ها	تجمل‌پرستی	
انجام رفتارهای تعصبی	قدرت‌مداری	
اتکا به دانش خود	جاه‌طلبی	
ترویج فساد و فحشا در جامعه	خوش‌گذرانی	
ترویج مصرف‌گرایی	رفاه‌مداری	

نمودار شماره 6: تأثیر و تأثر نگرش، ارزش و رفتار



از نگاه مهندسی فرهنگ، پیام این آیات این است که تداوم حیات فرهنگی هر جامعه‌ای به نظام نگرش‌های آن جامعه پیوند خورده است. اگر در جامعه‌ای، «دنیاگرایی»، سایه خزننده خود را بر پیکره فرهنگ آن گسترانده باشد، دیر یا زود، موربانه دنیاطلبی، از درون، همه لایه‌های فرهنگ - نگرش، ارزش و رفتار - آن سامان را آرام آرام درمی‌نوردد و جز اسکلتی شکننده که در برابر باد ضعیفی در هم می‌ریزد، بر جای نمی‌نهد. بر این اساس، تهاجم فرهنگی معنای تازه‌ای می‌یابد و آن اینکه لزوماً تهاجم فرهنگی، تهاجمی آشکار، کوتاه مدت، از بیرون به درون، بدون برنامه، قابل لمس و رو در رو نیست، بلکه می‌توان گفت آن تهاجمی است که در پس پرده، بلند مدت، آرام و برنامه‌ریزی شده، درونی - که به جای پرداختن به ظاهر فرهنگ که دوام و فایده چندان ندارد، قلب فرهنگ را نشانه می‌رود و ریشه آن را چنان می‌خشکاند که دیگر امید سرسبزی آن به یأس بدل شود - و غیر قابل لمس - که دفاع و مقاومت و چاره‌جویی را در پی نداشته باشد - است و در نهایت از پشت خنجر می‌زند. آیا مسابقه دنیاپرستی و تجمل‌گرایی و زراندوزی که در جامعه کنونی ما، رشد فزاینده و چشمگیری یافته است، پرتویی از موفقیت تهاجم فرهنگی مخالفان انقلاب و اسلام را به ذهن متبادر نمی‌سازد؟ آیا نمی‌توان بر اساس این سخن بسیار عبرت برانگیز امام جعفر صادق ⁷ که فرمودند: «حب الدنيا رأس کل خطیئه» (صدوق، 25)، گفت که دامن زدن به ترویج و توسعه «دنیاگرایی» در جامعه، راه را برای تهاجم فرهنگی هموارتر ساخته است؟ آیا نمی‌توان ادعا کرد شاه‌کلید مهندسی فرهنگ، رشد و تقویت نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای دنیادارانه و توحیدمحورانه در جامعه است؟

پیام دیگری که این آیات بدان اشاره دارند، نقش کلیدی نگرش در رفتار است. به این معنی که نگرش «دنیاگرایی» به خلق ضد ارزش‌های دنیاگرایانه می‌پردازد و ضد ارزش‌های دنیاگرایانه نیز مایه اصلی رفتارهای دنیاگرایانه قلمداد می‌شوند. از این رو، مصونیت و حفظ نگرش «دنیاداری» و یا تغییر و درمان نگرش «دنیاگرایی» در جامعه، راه را برای پیشگیری از آسیب یا آسیب‌زدایی فرهنگ جامعه هموار می‌سازد.

نیز روشن می‌شود که «دنیایگرایی» تا زمانی که فردی است، تنها فرد را در معرض خطر و انحراف قرار می‌دهد، اما هنگامی که از فرد به بخشی از جامعه سرایت کند، بسان یک بیماری واگیردار، همه سطوح و ابعاد جامعه را مورد تهاجم قرار می‌دهد. زیرا از یک سو، کنترل آن بسیار پیچیده می‌شود و از سوی دیگر، سرعت انحراف آن به واسطه ایجاد رقابت میان طبقات گوناگون جامعه، رشد فزاینده به خود می‌گیرد و از سوی سوم، بر همه عرصه‌ها و حوزه‌های دیگر جامعه مانند اقتصاد، سیاست، فرهنگ و ... اثرات مخرب و ویرانگری بر جای می‌نهد، به طوری که اصلاح آن، تقریباً غیر ممکن می‌شود.

شاید بتوان گفت یکی از دلایلی که سبب شد زمین، قارون را به همراه تمام اموال و ثروت و خانه و امکانات او فرو ببرد، توجه دادن به این تذکر است که هر چند قارون این ثروت را از مسیر درست به دست آورده بود، اما هنگامی که این ثروت بستر را برای «دنیایگرایی» در جامعه آماده سازد، خود این ثروت به این دلیل که کانون ترویج «دنیایگرایی» شده است، یا به تعبیر بهتر از حالت فردی به دایره تأثیر اجتماعی گام نهاده و بعد تبلیغاتی به خود گرفته است، مشروعیت خود را از دست می‌دهد و بسان یک حیوانی که بیماری واگیرداری دارد که قابل درمان نیست و باید سریعاً دفن شود تا این بیماری به دیگر حیوانات سرایت نکند، نیز لازم بود زمین، قارون و اموالش را که بیماری غیر قابل درمان «دنیایگرایی» به آنها سرایت پیدا کرده بود، ببلعد تا این بیماری به دیگران سرایت نکند و درس عبرتی برای افرادی باشد که به موقعیت قارون حسادت می‌ورزیدند.

3. رفتار، «دنیاداری» و «دنیایگرایی»

الف) کلیات

در تعریف رفتار (Behavior) گفته‌اند: «هر فعالیت و عملی که موجود زنده انجام می‌دهد و متضمن کارهای بدنی آشکار و پنهان، اعمال فیزیولوژیک، عاطفی و فعالیت عقلی می‌باشد.» (شعاری نژاد، 52)

با توجه به این تعریف روشن می‌شود که رفتار، ارتباط تنگاتنگی با نگرش



(افکار و عقاید) و ارزش (احساسات و عواطف) دارد. نیز روشن می‌شود که نگرش بر ارزش و رفتار تأثیر دارد و - بر اساس تحقیقات جدید - به ندرت رفتار نیز بر نگرش و ارزش اثر می‌گذارد. بر همین اساس امروزه این سؤال که نگرش چه زمان و چگونه بر رفتار اثر می‌گذارد، به جای این سؤال که، آیا رفتار بر نگرش اثر می‌گذارد یا نه، نشسته است. (آذربایجانی، 152/)

ب) ارتباط میان رفتار با «دنیاداری» و «دنیاگرایی»

با توجه به نگاه سامانه‌ای قرآن کریم به انسان و با تدبّر و تأمل در آیات قرآن کریم، هر چند به نظر می‌رسد مرزبندی دقیقی میان نگرش، ارزش و رفتار وجود نداشته باشد، اما نمی‌توان ارتباط سلسله مراتبی میان آنها را - مگر در موارد بسیار جزئی - نادیده گرفت. به این معنا که نگرش در ارزش تأثیر می‌گذارد و ارزش، به رفتار جهت می‌دهد. بر اساس مهندسی معکوس نیز می‌توان گفت که رفتار بر محور ارزش و ارزش نیز بر پایه نگرش شکل می‌گیرد.

همچنان که پیش‌تر رفت، نگرش دنیادارانه به تولید ارزش دنیادارانه و ارزش دنیادارانه به ظهور و بروز رفتار دنیادارانه منتهی می‌شود؛ از سوی دیگر، نگرش دنیاگرایانه، ارزش دنیاگرایانه می‌آفریند و ارزش دنیاگرایانه نیز به رفتار دنیاگرایانه می‌انجامد.

از سوی دیگر، دنیا مانند یک سکه‌ای است که دو رویه دارد، یک رویه آن «دنیاداری» و رویه دیگر آن «دنیاگرایی» است. به دیگر سخن، یک دنیاست با دو رویکرد به آن و دو رفتار نسبت به آن. از این رو، گاه به واسطه اتخاذ نگرش سطحی یا نادرست نسبت به دنیا، افراد یا گروه‌ها، میان رفتارهای دنیادارانه و دنیاگرایانه خلط می‌کنند.

قرآن کریم به این نکته توجه داده است: **(قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا * الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا)** (کهف/ 104-103). شاید بتوان گفت این آیه، به رابطه تنگاتنگ میان نگرش، ارزش و رفتار اشاره دارد. با این توضیح که، قرآن کریم می‌فرماید کسانی هستند که در این دنیا بسیار تلاش می‌کنند

و گمان می‌کنند که اعمال و رفتار آنان درست است، در حالی که همه رفتارهایشان به هدر می‌رود. به کار بردن سه واژه کلیدی «یحسبون»، «یحسنون» و «سعیم» که به نگرش، ارزش و رفتار اشاره دارند، نظریه‌مبنایی این پژوهش را تقویت می‌کند که میان این سه رکن، یک حالت سامانه‌ای برقرار است و به راحتی نمی‌توان آنها را از یکدیگر جدا ساخت. از سوی دیگر، ارتباط تنگاتنگ میان سه بعد شناختی و عاطفی و رفتاری را نیز به تصویر می‌کشد.

نتیجه اینکه میان نگرش و رفتار ارتباط مستقیمی است، به طوری که این نگرش است که تعیین‌کننده ارزش رفتار است. از این رو، اگر نگرش سطحی یا نادرست باشد، رفتار نیز به هدر خواهد رفت. این آیه به صراحت هشدار می‌دهد که گروهی در ظاهر به دنبال رفتارهای ارزشمند و نیکو و دنیادارانه هستند، اما از آنجا که در نگرش نسبت به دنیا ره به خطا پوییده‌اند، باطن رفتارهایشان، دنیاگرایانه است، در نتیجه رفتارهایشان سودی به حال آنها نخواهد داشت.

حال با توجه به این نکته عبرت‌برانگیز و تنبہ‌آفرین، تنها به بررسی یک آیه جامع درباره رفتارهای دنیاگرایانه می‌پردازیم و جهت تکمیل بحث، به دیگر رفتارهای دنیاگرایانه نیز اشاراتی خواهد شد.

در قرآن کریم، مهم‌ترین رفتارهای دنیاگرایانه در یک آیه به صورت سلسله مراتبی آمده است: (اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُوَ وِزْيَةٌ وَتَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيحُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ حُطَامًا وَفِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ) (حدید/20).

در این آیه، از شش مرحله کلیدی رفتار دنیاگرایانه متناسب با افزایش عمر انسان سخن رفته است: بازی، سرگرمی، زینت‌گرایی، فخر فروشی، زیاده‌خواهی در مال و زیاده‌خواهی در فرزندان. انسان نخست در دوران کودکی با بازی به دنیا روی می‌آورد و پس از آن در دوران نوجوانی علاقمند به سرگرمی‌های دنیا می‌شود و در دوران جوانی، زینت‌ها و آرایش‌های دنیا در نظرش جلوه می‌کند و پس از آن در دوران میانسالی، تنها فخرفروشی به حسب و نسب او را قانع می‌سازد و در دوران کهنولت، رفتارهایش بر جمع کردن مال و اولاد متمرکز می‌شود. بالاخره، دنیا در هر



سن و سالی، به نوعی انسان دنیاگرا را به خود جلب می‌کند و او را فریفته خود می‌سازد تا آخرت را از یاد ببرد و سرمایه نقد خویش را بر سر جلوه‌گری‌های این مار خوش‌خط و خال از دست بدهد. نتیجه نگرش دنیاگرایانه، جز این رفتارهای ناشایست نیست.

برخی دیگر از رفتارهای دنیاگرایانه که در قرآن کریم از آنها سخن رفته است، عبارتند از: زینت‌پرستی و تجمل‌گرایی (احزاب/28، بقره/212، قصص/79)، عهدشکنی و فسادافزایی (رعد/25)، ترجیح دنیا بر آخرت (اعلی/16، ابراهیم/3)، انجام عبادات یک‌جانبه و سطحی (حج/11)، دلخوش بودن به دنیا (رعد/26)، مسخره کردن مؤمنان (بقره/212)، پول‌پرستی و لذت‌طلبی (قصص/79)، غفلت‌ورزی از آخرت (یونس/7، نحل/107)، نفس‌پرستی و تکذیب آیات الهی (اعراف/176)، طغیان‌ورزی و سرکشی (نازعات/37، یونس/23)، عیب‌جویی و غیبت (همزه/1)، گناهکاری و ناسپاسی (انسان/24)، سستی در جهاد و ترک آن (توبه/38، آل عمران/152)، استهزاء آیات الهی (جاثیه/35)، روبرگردانی از یاد خدا (نجم/29، اعلی/15)، ارتداد و گرایش به کفر (نحل/106)، اشاعه فحشا و فساد جنسی (نور/33)، تکفیر دیگران (نساء/94)، جدال در آیات الهی (شوری/36)، کشتن دیگران (بقره/85) و ...

همچنان که در برابر نگرش‌های توحیدی، نگرش‌های مشرکانه و در برابر ارزش‌های حق‌مدارانه، ضد ارزش‌های باطل‌محورانه صف کشیده‌اند؛ در برابر رفتارهای دنیاگرایانه نیز رفتارهای دنیادارانه قامت کشیده‌اند. آنان که از دنیا در جهت رسیدن به حق بهره می‌برند، همه رفتارهایشان دنیادارانه است و آنان که از دنیا برای رسیدن به دنیا بهره می‌جویند، همه رفتارهایشان دنیاگرایانه است. روشن است که سنجه «دنیاداری» و «دنیاگرایی»، استفاده حق و باطل از دنیاست و چون حق و باطل با یکدیگر جمع نمی‌شوند، یا این رفتار حق است و یا باطل. به دیگر سخن، در یک سو، احسان و انفاق به دردمندان و آسیب دیدگان است و در سوی دیگر ثروت اندوزی و دوری از نیازمندان است. در یک سو، بی توجهی به یتیمان است و در سوی دیگر، توجه و کمک به یتیمان. این رفتار دنیادارانه است و آن

رفتار دنیاگرایانه. این حق است و آن باطل.

در قرآن کریم، در برابر رفتارهای دنیاگرایانه، از رفتارهای دنیادارانه نیز سخن رفته است. برخی از این رفتارها عبارتند از: اجتناب از شرک (نحل/120 و 122)، احسان (زمر/10)، اطاعت (نحل/120)، شکر (نحل/121)، هجرت در راه خدا (نحل/41)، دانش اندوزی (قصص/80)، ایمان (قصص/80)، تفکر (اعراف/169)، یونس/24)، تقوا (اعراف/169)، صبر (قصص/80)، عمل صالح (قصص/80)، بهره‌گیری از زینت‌ها و نعمت‌ها (اعراف/32)، استقامت ورزی (فصلت/30)، جهاد در راه خدا (نساء/74) و ...

4. شاخص‌های «دنیاگرایی»

در اینجا، شاخص‌های «دنیاگرایی» را از دیدگاه قرآن کریم گزارش می‌کنیم تا برنامه ریزان فرهنگی بر اساس آن به بررسی وضعیت موجود و برنامه ریزی برای دستیابی به وضعیت مطلوب پردازند.

این نکته شایان توجه است که قرآن کریم به پیشگیری توجه بیشتری دارد تا به درمان. به همین دلیل قرآن کریم در مرحله نخست برای پیشگیری از گرایش مردم به «دنیاگرایی» و در مرحله بعدی، درمان، نکات گونه‌گونی را متذکر شده است؛ که پرداختن به آن به توفیق حضرت دوست در مقاله دیگری خواهد آمد.

از سوی دیگر، قرآن کریم به جهت نگاه مجموعی و چند بُعدی به انسان و عالم هستی، برای «دنیاگرایی» هم شاخص‌های دنیایی ذکر کرده است، هم شاخص‌های آخرتی. در اینجا تنها به شاخص‌های دنیایی اشاره خواهیم کرد.

این نکته را نیز بیفزاییم که قرآن کریم به لحاظ عینی‌گرایی و واقعیت‌گرایی، افزون بر ذکر شاخص‌های «دنیاگرایی»، به معرفی شخصیت‌ها، جوامع و اقوام دنیاگرا نیز پرداخته است که بررسی آنها، بر دامنه شاخص‌های «دنیاگرایی» خواهد افزود. قرآن کریم از یهودیان، قوم ثمود، قارون و... به عنوان مهم‌ترین جوامع، اقوام و شخصیت‌های دنیاگرا یاد کرده است. در اینجا قصد نداشته‌ایم که همه شاخص‌های «دنیاگرایی» این جوامع و افراد را ذکر کنیم.

برداشت‌های زیر، مستقیماً از آیاتی که به عنوان نمونه ذکر شده است، به دست آمده و در برخی موارد با توجه به سیاق و آیات قبل و بعد از آیه مذکور، استخراج شده است.

1. توحید

انکار خدا (یونس/8)، شرک به خدا (ابراهیم/3، کهف/38، زخرف/83)، غفلت از خدا (کهف/28 و 38، نحل/108، یونس/22، نجم/29، حشر/2، جمعه/9، اعلیٰ/16)، احساس بی‌نیازی نسبت به خدا (آل عمران/10-11).

2. نبوت

انکار و یا تحریف دین و وحی (بقره/212، آل عمران/199، مائده/42، اعراف/176، ابراهیم/30)، استفاده ابزاری از دین (انعام/70)، مبارزه و مجادله و استهزای دین و وحی (کهف/7، توبه/9، جاثیه/35، شوری/36)، دین فروشی (بقره/41 و 174 و 79، آل عمران/77)، انکار و یا دشمنی با پیامبر (آل عمران/152، نساء/68، توبه/98، هود/15، شعراء/185).

3. معاد

انکار آخرت و معاد (یونس/7، ذاریات/12، قیامت/20، انشقاق/14)، تردید در آخرت و معاد (کهف/36)، غفلت از آخرت (آل عمران/185، قصص/77، قیامت/20، انسان/27، همزه/3)، ترجیح دنیا بر آخرت (نحل/107، نازعات/39، اعلیٰ/17).

4. اقتصاد

حرص و رقابت در انباشت ثروت (بقره/96، حدید/20، تکوین/1، همزه/3)، تحصیل ثروت نامشروع (اعراف/169)، کاخ‌سازی (شعراء/129)، بخل (توبه/77، محمد/38، لیل/11)، عدم انفاق و احسان (آل عمران/117، محمد/38، نجم/34-33)، تجمل‌گرایی (هود/15، زخرف/36)، فریفته شدن به مال دنیا (اعراف/51، حجر/88، حدید/20، مریم/74، نمل/36)، تحریک مردم به «دنیاگرایی» (قصص/79).



5. اجتماع

بی توجهی به بینوایان و یتیمان (کهف/28، فجر/20-17)، اصطکاک و ستیز با جامعه (آل عمران/152، انفال/3، نحل/92)، فخر فروشی (کهف/34، قصص/79، تکوثر/1)، دون همتی و خواری (توبه/38، نحل/95، واقعه/66، فجر/21)، پیمان شکنی (آل عمران/77، نحل/95)، تمسخر و تحقیر مؤمنان (بقره/212).

6. سیاست

ترک و یا سستی و فرار از جهاد (آل عمران/152، نساء/74 و 94، توبه/38، احزاب/16، محمد/36، صف/11)، تمایل به سازش با دشمنان (محمد/36)، خودکامگی و استبداد (یونس/23)، ستمگری (بقره/86-85، مائده/80، هود/116)، از حزب شیطان بودن (آل عمران/155، اعراف/176، فاطر/7).

7. فرهنگ

الف) دانش

دانش تک بعدی و یک ساحتی (بقره/200، نحل/108، مؤمنون/115، نور/40، جمعه/9)، خرافه‌گرایی (نجم/30)، تقلیدگرایی (زخرف/23)، کوتاه‌نگری و عدم دوراندیشی (اعراف/169، انعام/32، توبه/42، یونس/25، نحل/95، اسراء/18، قیامت/20)، ظاهرگرایی (اعراف/169، انفال/67، توبه/42، صف/11)، عدم پندپذیری (آل عمران/14-13، دخان/27، نجم/22).

ب) معنای زندگی

احساس کاذب جاودانگی در دنیا (همزه/4-2، انشقاق/14)، اصیل دانستن دنیا (بقره/212، مریم/74، همزه/3)، غفلت از مرگ (شعراء/129، همزه/3)، محرومیت از یقین (تکوثر/5)، محرومیت از هدایت (نحل/108، قصص/57، نجم/29)، آرزو طلبی (بقره/96، اسراء/20، حجر/3، انبیاء/3، شوری/20)، خوش‌گذرانی و عشرت طلبی (هود/66 و 116، انبیاء/13، قصص/79، دخان/27).

ج) شخصیت

زن‌گرا (آل عمران/14)، فرزندگرا (آل عمران/14، حدید/20)، هواپرست (اعراف/176)، فسادانگیز (شعراء/185، قیامت/17-20)، تجاوزگر (بقره/85-84).

طغیانگر (نازعات/38)، خودخواه (بقره/212، آل عمران/155، کهف/35-34، فصلت/50)، لجوج (انعام/29)، ناسپاس (فصلت/50، انسان/27).

5. جامعه ایران، جامعه دنیادار یا دنیاگرا؟

حال شایسته است با توجه به شاخص‌های بالا، جامعه ایران را مورد بررسی قرار دهیم و سپس پاسخ این سؤال را که آیا جامعه ایران به سوی شاخص‌های «دنیاداری» در حرکت است یا به سوی شاخص‌های «دنیاگرایی»، قدری روشن سازیم.

بر اساس تحقیقاتی که اخیراً از سوی مراکز معتبری مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در خصوص سنجش آگاهی و نگرش و رفتار ایرانیان انجام گرفته است، درمندان باید بگویم که به نظر می‌آید جامعه ایران در دهه شصت، تحت تأثیر انقلاب، دفاع مقدس و شخصیت معنوی حضرت امام خمینی، بر اساس شاخص‌های قرآنی، جامعه دنیادارانه محسوب می‌شد؛ اما اینک در دهه سوم انقلاب که نسل سوم در جایگاه نسل اول انقلاب نشسته‌اند، تحت تأثیر تحولات دنیاگرایانه غرب، تبلیغات رسانه‌ها - تلویزیون، سینما، ماهواره، بیلبوردهای تبلیغاتی و ... - تضعیف اصول دینی، به ویژه معاد و آخرت‌گرایی در جامعه کنونی، بر اساس شاخص‌های قرآنی، در حال دور شدن از شاخص‌های «دنیاداری» و نزدیک شدن به شاخص‌های «دنیاگرایی» است.

در یکی از این تحقیقات، پژوهشگر در پایان چنین نتیجه گرفته است:

«به نظر می‌رسد جامعه ما در مسیر حرکت به طرف ارزش‌های مادی‌گرایانه است و حداقل زمینه تظاهر این ارزش‌ها در نیمرخ فرهنگی جامعه شهری قوی است. به نظر می‌رسد ارزش‌های مادی‌گرایانه، ... در نسل 16-24 ساله ایران در معرض رشد است. اطلاعات ما شرایط این گروه را متفاوت از بقیه نشان می‌دهد. جوانان در معرض تغییر ارزش‌ها قرار دارند و آن هم نه حرکت به سوی ارزش‌های متعالی، بلکه مسیر بیشتر ارزش‌های مادی‌گرایانه است.» (محسنی، 52/1)

در پژوهش دیگری آمده است:

«مطبوعات ایران در سال 1375 نسبت به سال 1360 از انعکاس ارزش‌های فرامادی به سمت ارزش‌های مادی حرکت کرده‌اند.» (حاجیلری، 252/)

نتیجه‌گیری

فرهنگ بسان سامانه بسیار پیچیده است که هر گونه آسیبی به یکی از خرده سامانه‌های آن، آسیب دیگر خرده سامانه‌ها و در نتیجه کل سامانه را در پی خواهد داشت. از این رو، هنگام بررسی آسیب‌های فرهنگ، پرداختن به یک خرده سامانه و غافل شدن از دیگر خرده سامانه‌ها، عین خطاست. با توجه به این نکته، هر گونه برنامه‌ریزی، مدیریت، رهبری و مهندسی در حوزه فرهنگ، باید جامع، سامانه‌ای و فراگیر باشد. بر این اساس، دو جزء «دنیاداری» و «دنیاگرایی» خرده سامانه اقتصاد و تأثیر مستقیم آن بر کل سامانه فرهنگ از دیدگاه قرآن کریم مورد آسیب شناسی قرار گرفت. بر پایه این نظریه، که نگرش انسان بر ارزش‌های او و ارزش‌های او بر رفتار او تأثیر می‌نهد، روشن شد که اگر در جامعه‌ای نگرش «دنیاداری» گسترش یابد، این نگرش، اغلب سبب ترویج ارزش‌های دنیادارانه و در نتیجه رفتار دنیادارانه خواهد شد، که بروز و ظهور همین رفتارهای دنیادارانه به آفرینش ارزش‌های دنیادارانه دیگر و تقویت نگرش «دنیاداری» در جامعه می‌انجامد. و بالعکس، اگر در جامعه‌ای نگرش دنیاگرایانه تبلیغ شود، این نگرش، اغلب باعث توسعه ارزش‌های دنیاگرایانه و در نهایت رفتار دنیاگرایانه خواهد شد، که این گونه رفتارها نیز به نوبه خود به تعمیق نگرش «دنیاگرایی» در جامعه منجر خواهد شد. قرآن کریم با معرفی شاخص‌های «دنیاداری» و «دنیاگرایی»، همواره انسان‌ها را به «دنیاداری» فرا خوانده و از «دنیاگرایی» بر حذر داشته است و جامعه مطلوب قرآنی را جامعه‌ای برشمرده که نگرش، ارزش و رفتارهای افراد آن جامعه بر اساس شاخص‌های «دنیاداری» باشد، این چنین جامعه‌ای افزون بر توسعه متوازن انسانی - اجتماعی و مادی - اقتصادی، رشد و تعالی فرهنگی و معنوی را نیز به ارمغان خواهد آورد؛ در غیر این صورت، توسعه نامتوازن مادی - اقتصادی به آسیب فرهنگی دامن خواهد زد و

متقابلاً، آسیب فرهنگی، اقتصاد جامعه را از مسیر سازندگی و سرزندگی به سوی ویرانگری و پوچ‌گرایی سوق خواهد داد. در یک کلام، دنیایی که می‌تواند ابزار تعالی و صعود انسان باشد (دنیاداری)، ابزار انحطاط و سقوط او می‌شود (دنیاگرایی). نهایت اینکه نگرش به دنیا، یکی از مهم‌ترین بحث‌های اقتصادی - فرهنگی است که توجه به آن در آسیب شناسی فرهنگ و مهندسی فرهنگی جامعه از ضروریات است.



منابع و مأخذ

1. آذربایجانی، مسعود و دیگران؛ روان شناسی اجتماعی با نگرش به منابع اسلامی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه و سمت، تهران، 1382ش.
2. چلبی، مسعود؛ جامعه شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، نشر نی، تهران، 1382ش.
3. حاجیلری، عبدالرضا؛ کنکاشی در تغییر ارزش‌ها پس از پیروزی انقلاب اسلامی، دفتر نشر معارف، تهران، 1380ش.
4. شعاری نژاد، علی اکبر؛ فرهنگ علوم رفتاری، انتشارات امیر کبیر، تهران، 1375ش.
5. الصدوق؛ الخصال، تصحیح و تعلیق: علی اکبر الغفاری، منشورات جامعة المدرسين فی الحوزة العلمية فی قم المقدسة، قم، 1403 ق.
6. محسنی، منوچهر؛ بررسی آگاهی‌ها، نگرش‌ها و رفتارهای اجتماعی - فرهنگی در ایران، دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی کشور، تهران، 1379ش.

Edward B. Taylor, **Primitive Culture**. (۲ Vols), John Murray, London, ۱۸۷۱